

بسم الله الرحمن الرحيم

زورگوئی امریکا و فجایع جدید اقتصادی جهان



(ترجمه)

کارشناسان جهانی سیاست و اقتصاد به این باور اند که امریکا در حال حاضر، غول اقتصادی و نظامی است، در رأس هرم جهانی زانو زده و در حال حاضر رقیبی هم ندارد تا جایگاهش را تنزیل دهد. در عین حال، به این نیز اتفاق نظر دارند که این غول بزرگ از لحاظ اقتصادی مجروح گردیده و به شدت خون از وی جاری است و اگر کشورهای خارجی با وصل کردن خون جدید به کمک وی نمی‌شتافتند، این جراحات وی را از پای انداخته و دیگر قادر نبود تا سرپایش بایستد.

امریکا امتیازات ذیل را دارد: دارای واحد پولی جهانی بوده که بالای تمام واحدهای پولی دیگر مسلط است و مبادلات در بانک‌ها و بازارهای جهانی با واحد پولی امریکا صورت می‌گیرد؛ بزرگ‌ترین تولید کننده کالا و خدمات جهانی است؛ چنانچه کارشناسان حجم تولیدات امریکا را بالغ بر 25 درصد از تولیدات جهان می‌دانند؛ بزرگ‌ترین صادرکننده سلاح است؛ چنانچه سه چهارم سلاحی که در جهان فروخته می‌شود، ساخت امریکاست؛ بزرگ‌ترین صادرکننده کالا است؛ چنانچه بر 20 درصد از تجارت جهانی تسلط دارد؛ در رأس بزرگ‌ترین مؤسسات اقتصاد جهان تسلط دارد. از هفت بانک بزرگ جهان، سه بانک مربوط امریکاست؛ بر بازار نفت جهان با واحد پولی خویش مسلط است و در زمینه تحقیقات علمی و اختراعات پیش قدم است؛ در عرصه نظامی قوی‌ترین کشور بوده و در تکنالوژی نظامی از تمام کشورهای جهان سبقت جسته، پایگاه‌های نظامی‌اش را در اطراف جهان گسترش داده و در پروژه جنگ ستارگان و غلبه بر فضاء قوت برتر است و دارای ناوگان‌های بزرگ هواپیما، کشتی‌های بزرگ جنگی و ناوگان‌های دریائی می‌باشد که دریاها و اقیانوس‌ها را در می‌نوردد.

مگر به‌رغم حجم بالای اقتصاد، امریکا از کسر بودجه، موازنه تجارتي و تورم و بیکاری رنج می‌برد. علت آن هم بر می‌گردد به دلایل ذیل:

اول) کثرت مصارف و مخارج امریکائی‌ها-که این موضوع مردم امریکا را از مردم دیگر متمایز کرده است؛ چنانچه مصارف‌شان بیش‌تر از تولیدات‌شان است.

دوم) کثرت مصارفی که امریکا به‌سبب جنگ‌هایی که در خارج خاک خود برافروخته، متقبل شده است؛ مثل جنگ عراق، افغانستان، شام وغیره و مصارف هنگفتی که پایگاه‌های نظامی متعدّدش در سراسر جهان، بار دوش‌اش نموده است.

سوم) مصارف هنگفت وزارت دفاع امریکا؛ چنانچه مجموع بودجه آن در سال 2018م بالغ بر 700 میلیارد دالر شده است.

به‌خاطر همین حجم زیاد مصارف، حجم قرضه‌های امریکا بر اساس احصائیه وزارت خزانه‌داری امریکا در سال 2018م، در حدود 21 تریلیون و 13 میلیارد دالر رسیده است و این مبلغ نزدیک 98درصد از تولیدات ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد؛ سهم جهت‌های خارجی از این قرضه‌ها، بالغ بر 9.7 تریلیون دالر و باقی آن برای مصارف داخلی؛ مانند حکومت‌های ایالت‌ها اختصاص یافته است. بر اساس آمار وزارت خزانه‌داری امریکا، میزان کسر بودجه تجارت امریکا بالغ بر 53 میلیارد دالر و کسر بودجه به 779 میلیارد دالر رسیده است و نیز ارقام تورم و بیکاری در امریکا هر سال رو به افزایش است.

مشکلات اقتصادی فوق و بحران‌های پی‌درپی، سیاست‌مداران کاخ سفید را واداشته است تا از لحاظ اقتصادی بر کشورهای جهان زورگوئی کنند؛ مظاهر آن جنگ‌های تجارتي آشکاری، سیاست‌های تهدیدآمیز مالی و تجاری، خروج از یک سلسله توافق‌نامه‌های جهانی؛ مثل توافق تعرفه گمرک و توافق قیمت سود بانک‌ها است.

در این اواخر زورگوئی امریکا بیش‌تر هم شده است؛ چنانچه صراحتاً از یک‌عده کشورها؛ مانند سعودی و اروپا در برابر حمایت‌اش، جزیه مطالبه کرده است. امریکا بر تنش جنگ تجارتي در بخش نفت، بازار تجارت، افزایش قیمت سود و وضع مالیات بر کالاهای وارداتی و سایر روش‌های پنهان و آشکار جنگ تجارتي افزوده است.

پس از اظهارات مکرر ترامپ علیه سعودی، که در آن خواهان پرداخت هزینه‌های حمایت‌اش از این کشور شده بود، از اتحادیه اروپا نیز خواست که هزینه حمایت نظامی امریکا را بپردازد. در اظهارات خویش به‌تاریخ 25 دسمبر 2018م گفت: «اروپا باید سهم عادلانه حمایت نظامی خود را بپردازد. در بخش اقتصادی، اروپا برای سال‌های متعددی از ما سود برده است؛ ولی با آن‌هم، سهم هزینه‌های نظامی خود را در "ناتو" نمی‌پردازد؛ این عمل کرد باید سریعاً تغییر کند.»

این زورگوئی امریکا بر کشورهای جهان و خاصتاً کشورهای بزرگ، زنگ هشدار فجایع آینده اقتصادی را به‌صدا در آورده و کارشناسان نیز هشدار داده اند. آن‌چه امریکا در برابر اتحادیه اروپا انجام می‌دهد، حاکی از هشدار وخیم‌تر شدن بحران این اتحادیه داشته که در نهایت، بحران اقتصادی و مالی را عمیق‌تر خواهد کرد؛ بحرانی که هنوز جهان از پیامدهای آن رنج می‌برد.

اتحادیه اروپا دومین اقتصاد برتر جهان بوده که 20 درصد اقتصاد جهان را احتوا می کند؛ ولی بر اساسی ضعیف بنا شده و نه تنها توان ایستادگی در برابر جنگ های اقتصادی را ندارد؛ بلکه توان مقابله با جنگ های سیاسی را نیز ندارد و این به خاطر عدم انسجام اقتصادی و نژادی و سایر زمینه ها بین کشورهای این اتحادیه است. علاوه بر آن، یک تعداد از کشورهای این اتحادیه؛ مثل اسپانیا، ایتالیا، یونان و غیره از مشکلات اقتصادی عمیقی رنج می برند. خود امریکا هم از این جنگ های پی در پی اقتصادی در امان نمانده است؛ چنانچه از جنگ های نظامی نیز در امان نیست؛ چون جنگ های اقتصادی قیمت سود بانکی را افزایش داده که پیامدهای ناگواری بر صنایع و شرکت های امریکائی دارد و در نتیجه، اقتصاد امریکا را تضعیف می کند.

"چارلز کوچ" میلیاردر امریکائی، که در بخش صنعت کار می کند، گفت: «سیاست های تجارتي رئیس جمهور دونالد ترامپ منجر به رکود اقتصادی خواهد شد.» وزیر مالی اتحادیه اروپا چندین مرتبه در اجلاس های اقتصادی شان؛ از جمله اجلاس گروه 8 هشدار دادند و نیز در اجلاس گروه 20 امسال گفتند: «ما به خاطر خطرات تنش های اقتصادی دلواپس ایم و ممکن است این تنش ها، تأثیر منفی بر توان، شمولیت، پایه داری و توازن رشد و سرمایه گذاری جهانی داشته باشد.» اما "پیتر آلتمایر" وزیر اقتصاد آلمان از سیاست های گمرکی و تحریم های که ترامپ وضع نموده است، به شدت انتقاد کرده و گفت: «این نوع اجراءات باعث از بین رفتن وظایف و رشد شده و اروپا در باره تحریم های اعمال شده امریکا علیه ایران، تسلیم نخواهد شد.» به تاریخ 2 مارچ 2018م با این تویت ترامپ: «ایالات متحده امریکا تعرفه های جدیدی گمرکی را بر واردات فولاد و آلومینیم وضع خواهد کرد.» سهام اروپائی به پائین ترین میزان خود در شش ماه اخیر رسید. "اورین هاتج" رئیس کمیسیون مالی مجلس سنا از حزب جمهوری خواه در مورد ازدیاد مالیات تعرفه های گمرکی تصریح نموده گفت: «افزایش این تعرفه ها پیامدهای مضر علی السویه ای بر مصرف کننده گان، تولید کننده گان و کارگران خواهد داشت.»

در پایان متذکر می شویم که اساس نظام سرمایه داری متکی بر مصالح، منافع و کسب اموال است؛ ولو که به هر قیمت باشد و منجر به از بین بردن انسان ها و چپاول اموال و دارائی دیگران گردد. مثال های آن که از لحاظ زمانی از ما دور هم نیست، استعمار سیاسی در اوایل و اواسط قرن گذشته، جنگ های جهانی و اشغال عراق و افغانستان توسط امریکا است. کشورهای سرمایه داری به خاطر منافع حاضر اند با همدیگر بجنگند، خصوصاً امریکا برای این که در رأس هرم قدرت جهان باقی بماند، حاضر است تا کل جهان را با خاک یکسان کند.

بشریت را تنها اسلام و عدالت اش می تواند از این وحشی صفتان نجات دهد و سعادت را برایش به ارمغان آورد، انسان را از گمراهی نجات داده ولو به هر قیمت تمام شود. اسلام سوی جیب های مردم نمی بیند؛ بلکه به سوی قلوب و هدایت شان به راه راست می نگرند. تمام جهان در وسط این جهنم و آتش خواهد سوخت؛ مگر این که رحمت اسلام در سایه خلافت اسلامی جهان را در بر گیرد. از الله سبحانه و تعالی مسئلت داریم که بر بشریت منت نهاده و جهان را به نور اسلام، عدالت و هدایت اش منور سازد.

برگرفته از جریده الرايه
نویسنده: استاد حمد طيب
4 ربیع الثاني 1440هـ.ق
12 دسمبر 2018م